



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

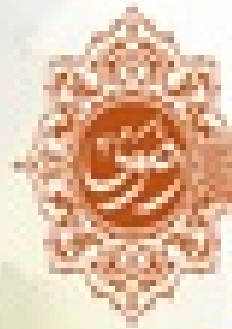
Ghaemiyeh

.com

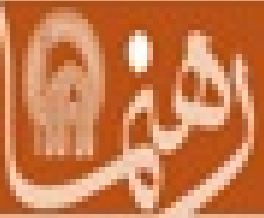
.org

.net

.ir

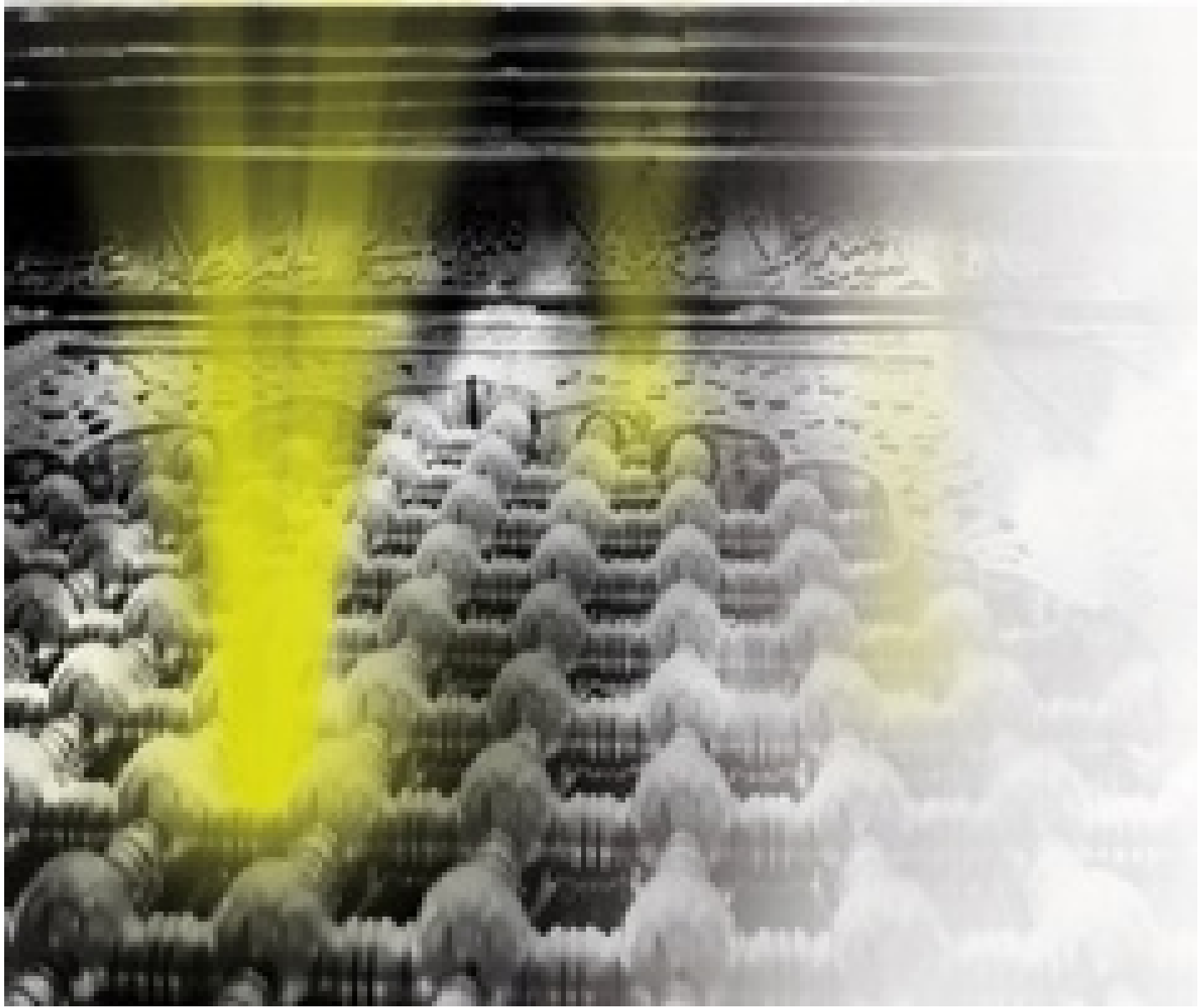


انستاز انستاز و انستاز
مركز انستاز و انستاز



عبدالله محمدی

چرا انعام اجابت نمی شود؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۹۸ (چرا دعایم اجابت نمی شود)

نویسنده:

محمدحسین پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رهنما ۹۸ (چرا دعایم اجابت نمی شود)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	چرا دعایم اجابت نمی شود؟
۱۲	درآمد
۱۴	۱. خدا حرف ما رو نمی شنوه!
۲۲	۲. چرا از ما اجابت نمی شه؟
۲۸	۳. دعای ما یا قانون هستی؟
۳۸	۴. گناه ما و اسباب اجابت
۴۸	۵. آداب دانی دعا
۵۸	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: چرا دعا مستجاب نمی شود

گردآورنده آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی ۱۳۹۱

فروست: رهنما ۹۸.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۸۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع دینی موضوع: دعا موضوع: استجاب موضوع: دین

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی دیویی: ۵۶۴/۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۳۲۱۴

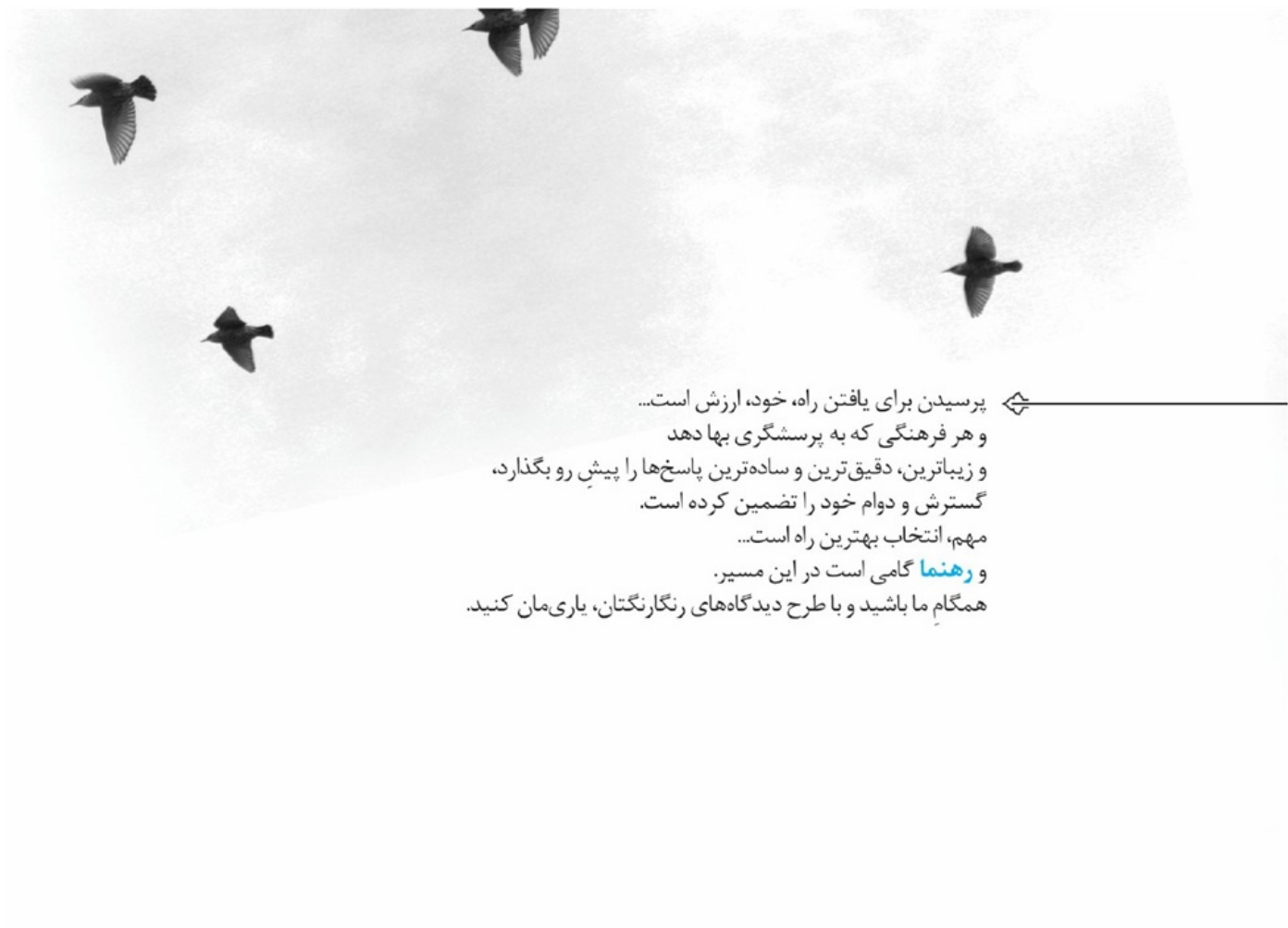
نویسنده: عبدالله محمدی آستان قدس رضوی چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱ معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

به کوشش محمدحسین پورامینی

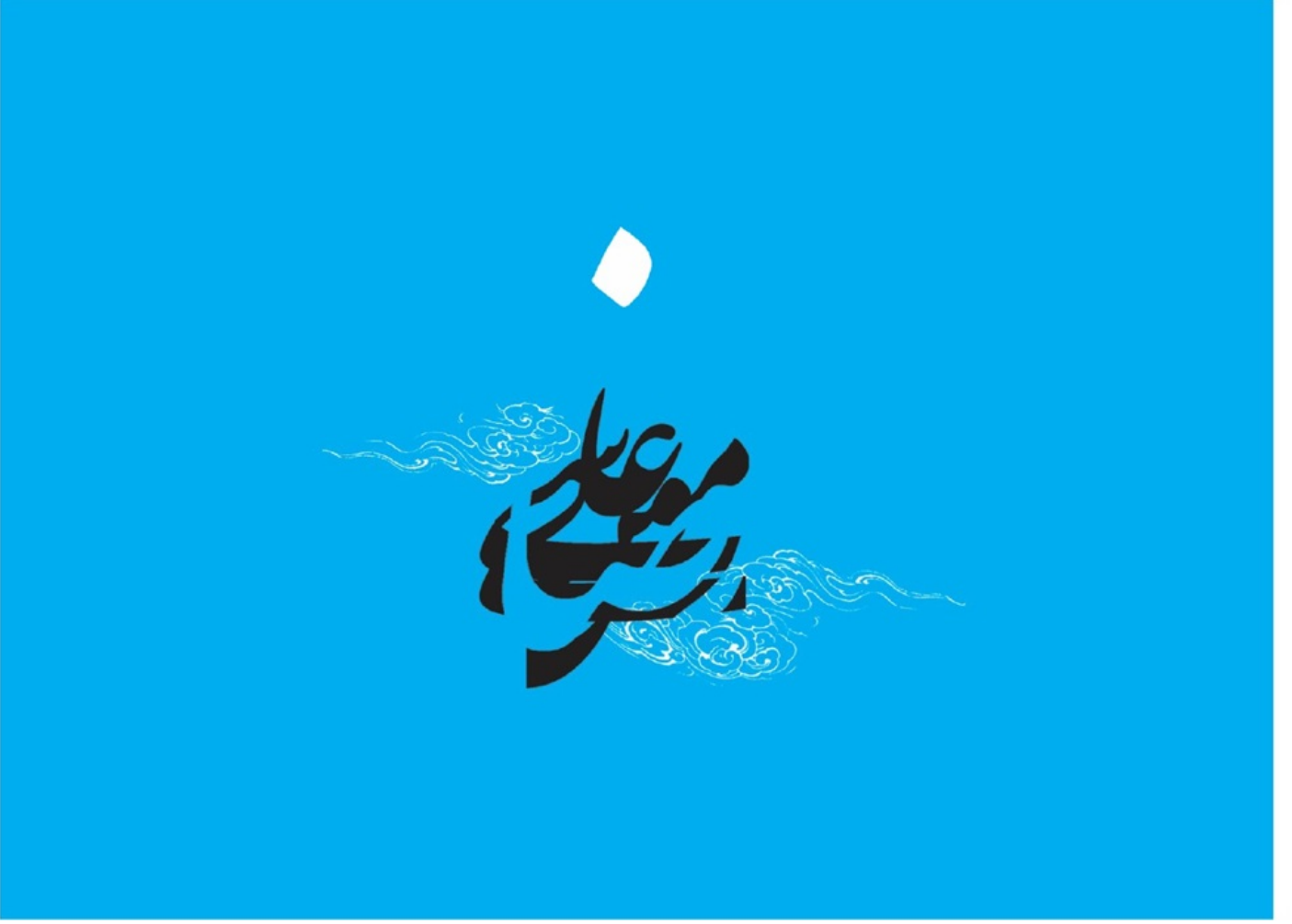
ویراستار: محمد مهدی باقری

ص: ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



چرا دعایم اجابت نمی شود؟

برای یافتن پاسخ پرسش های زیر، مطالعه متن حاضر را پیشنهاد می کنیم:

۱. حقیقت دعا چیست؟ چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود؟

۲. رابطه برآورده نشدن حاجات با حکمت الهی چیست؟

۳. سنن الهی چه نقشی در استجاب دعا دارند؟ موانع استجاب دعا کدام اند؟

۴. براساس روایات، آداب دعا و شرایط استجاب دعا چیست؟

ص: ۵



دعا تجلی اظهار عجز و نیاز بندگان به درگاه خدا و نیز حقیقت عبادت است؛ از همین رو، انسان هایی که بیشتر به کمال رسیده اند و در نتیجه، فقر وجودی خویش را بیش از دیگران دریافته اند، به دعا کردن و اظهار نیاز به پروردگار بیشتر اهتمام دارند. اما نبود آگاهی کافی از مبانی دینی سبب شده برخی مؤمنان اجابت دعا را با برآورده شدن حاجات خویش مساوی بدانند. آنان گمان می کنند که در صورت برآورده نشدن حاجات، دعایشان نیز مستجاب نشده است. بر همین اساس، یک از پرسش های پُرسامد جوانان مؤمن، پرسش از چرایی مستجاب نشدن دعاست. متأسفانه عده ای به همین سبب، اندک اندک خدا را با خویش بیگانه پنداشته و اهتمامشان به بندگی کم رنگ می شود.

این نوشتار می کوشد در قالبی نوین، برخی زوایای این موضوع را روایت کند: دو بخش نخست، گفت و گوی جوانان را با فردی روحانی در شب قدر به تصویر می کشد و در طول

این گفت و گو، نقش حکمت و مصلحت اندیشی الهی در مستجاب نشدن دعا معرفی می شود. در بخش سوم و چهارم، گزارش کلاسی دانشگاهی و تبادل نظر دانشجویان با استاد است. در این گزارش، رابطه قوانین الهی با دعا بررسی می شود؛ همچنین به تأثیر مسائلی، همچون گناه و ظلم و... بر مستجاب نشدن دعا اشاره شده است. بخش پنجم نیز روایت گفت و گوی صمیمانه طلبه ای با تعدادی دانشجو در قطار است که آداب دعا و شرایط استجاب دعا را مرور می کند.

گفتنی است این کتاب را برای مخاطبان عمومی تألیف کرده و ابعاد دیگر بحث را به سبب محدودیت حجم و رعایت حوصله مخاطبان و نیز پرهیز از مباحث تخصصی مطرح نکرده ایم. خوانندگان علاقه مند برای مطالعه بیشتر می توانند به منابع تخصصی نیز مراجعه کنند.

۱. خدا حرف ما رو نمی شنوه!

روحانی جوان غرق در مرور برنامه های خود برای مراسم شب قدر، مصمم به سوی مسجد گام برمی داشت. از مدت ها پیش، انتظار فرارسیدن چنین شبی را می کشید. ترکیب شوق و هیبت، تابلوی آن شب را در ذهن روحانی زیباتر کرده بود. یک چهارراه مانده به مسجد، چند جوان مشغول خوش و بش بودند که با دیدن روحانی، نگاهی شیطنت آمیز به هم کردند. سپس، یکی از آن ها با لحن معناداری صدا زد: «حاج آقا، التماس دعا!»

روحانی مکثی کرد و گفت: «سلام بچه ها، امشب شما باید برای ما دعا کنین.»

آرش که شلوار لوله تفنگی اش تو چشم می زد، اهل آن محل نبود و حاج آقا را نمی شناخت؛ برای همین، فکر نمی کرد روحانی این طور واکنش نشان دهد. کمی فکر کرد و گفت: «نه، حاج آقا، بهتره که خود شما دعا کنین. خدا فقط خدای پول دارها و مسجدی هاست؛ چند ساله که بی خیال ما شده. ما هم بی خیال او.»

روحانی درنگ کرد و با مهربانی نزدیک شد و گفت: «از کجا می دونی بی خیال شما شده؟»

آرش که فکر نمی کرد متلکی بی خودی به بحثی جدی منجر شود، بدون اینکه خودش را گم کند، پاسخ داد: «شده دیگه. چند ساله هرچی بهش می گیم، جواب نمی ده. مثل اینکه هرچی بدبختی و گرفتاریه، برای ماست و هرچی خوشیه، برای پولدارها. هرچی بهش می گیم لااقل دل طرف رو با ما نرم کنه، نمی شه. خوبه چیز سخت ازش نخواستیم!»

روحانی به سرعت دریافت که آرش چه مشکلی دارد و مصمم شد کمکش کند. او فهمیده بود که تصور آرش، مانند خیلی از مردم دیگر، این است که مستجاب نشدن دعا یعنی قهر خدا با بندگان؛ زیرا بسیاری از مردم خدا را فقط برای حل مشکلات خویش در آخرین مرحله به یاد می آورند. به هر حال، معصومیت نگاه آرش کافی بود که هر مؤمن دلسوزی را برای کمک کردن به او تحریک کند.

روحانی لبخندی زد و گفت: «ببینید بچه ها، بعضی بحث ها مسائل سرنوشت ساز زندگی آدمه که دست کم یه بار به صورت جدی باید به اون فکر کنیم. سؤال شما هم از همین

مسئله.» بعد رو به آرش کرد و گفت: «اسمت چی بود جوون؟»

- آرش.

- آقا آرش، از کجا می دونی خدا با تو قهر کرده و بی خیالت شده؟

آرش آهی کشید و گفت: «خب دیگه. این همه ما صدایش کردیم، جواب نداد.»

- شاید به صلاح نبوده.

آرش این جمله را قبلاً هم شنیده بود؛ ولی هیچ وقت فرصت فکر کردن درباره آن را نداشت؛ لذا سریع پاسخ داد: «یعنی چی حاج آقا؟ با یه کلمه خیال خودتون رو راحت می کنین. مگه می شه کسی رو دوست داشته باشی؛ ولی به فکرش نباشی. مگه می شه ببینی یه کسی التماس می کنه و تو هم می تونی مشکلش رو حل کنی و فقط با یک کلمه «به صلاح نیست»، از سر خودت واکنی؟ اون اگه ما رو هم مٹ بقیه می خواست، جوابمون رو می داد. اینا همش بهونس.»

- پس هرکی جواب کسی رو نمی ده، دوستش نداره؟! هر کسی حرف از مصلحت می زنه،

ص: ۱۲

بهبود می آره؟! بذار مثالی بزیم تا معلوم بشه مهربانی و مصلحت سنجی چه نسبتی با هم دارن: پسر بچه پنج ساله ای رو فرض کن که سرطان خون داره و پزشکان تنها به جلسات پی در پی و مرارت بار شیمی درمانی امید دارن.

بعد از جلسه اول که چند روز تهوع و بی حالی و سرگیجه به همراه داشت، مادر قصد داره اون رو برای دومین جلسه به بیمارستان بیره. الماس های اشک یکی یکی از گونه های پسرک سُر می خوره و با همه وجود خودش به مادر التماس می کنه که او رو به بیمارستان نبره. دستش رو از دست مادر می کشه و پا به زمین می کوبه که «مامان، به خدا نمی تونم تحمل کنم. جون هر کی دوست داری، منو نبر. اگه منو دوست داری، نبر. جون بابا منو نبر.» مادر که دریای دلسوزی است، سرزنش های کودک دلبندهش رو تحمل می کنه. سعی می کنه کودک رو آرام کنه و آهسته می گه: «قربونت برم. باید بریم. اگه نریم بدتر می شی. باید بریم که زودتر خوب بشی. به نفع خودته که بریم.» پسرک که از حرف های مادر سر در نمی آره،

به زور راهی می شه. در مسیر برگشت از بیمارستان، چشم پسرک به کودکانی افتاد که در راه برگشت از مدرسه، به ساندویچ فروشی نزدیک مدرسه هجوم آورده بودن و یکی یکی بیرون می اومدن. چهره پرنشاط اونا توجه هر رهگذری رو جلب می کرد که همه انرژی شون رو در دندان های خود جمع کرده و ساندویچ نیم متری رو می بلعیدن. پسرک بیمار بی حال و خسته به مادر گفت: «مامان، ساندویچ برام می خری؟ مادر که حیرون مونده بود که چگونه این درخواست رو هم رد کنه، گفت: «نه، مامان جون؛ برات خوب نیست.» پسرک که داشت از عصبانیت دق می کرد، گفت: «همش نه نه. فقط همین رو بلدی. هرچی می خوام میگی برات خوب نیست.» مادر که تنها آرزوش این بود که بتونه حرف های خودش را حالی پسرک کنه و مهربونی اش رو مثل گذشته اثبات کنه، سرش رو به شیشه تاکسی تکیه داد و از چشمانش اشکی چکید و خوابش برد.

پونزده سال گذشت. پسرک جزو نفرات برتر کنکور شده بود و مادر داشت برایش تعریف می کرد که اون روزا که درخواست پسر رو اجابت نکرده بود، چقدر دوستش داشت و آگه احساساتش رو با تدبیر مدیریت نمی کرد، چه خیانتی به او کرده بود. مادر از اینکه اکنون فرزندش به بلوغ رسیده و می فهمه اون روز چه چیزی به صلاحش بوده، خیلی خوش حال بود....

روحانی نفس عمیقی کشید و رو به آرش چند سؤال کرد: «اینکه مادر درخواست فرزندش رو اجابت نکرد، علامت دوست داشتن مادر بود یا دوست نداشتن مادر؟ حالا مهربونی خدا بیشتره یا مادر؟ اصلاً چه کسی مادر رو مهربون آفرید؟ حکمت و مصلحت سنجی مادر بیشتره یا خدا؟ چرا خدا دعای بنده رو مستجاب نمی کنه؟ نمی تونه؟ یا می تونه و به خاطر بغض و کینه نمی خواد اجابت کنه؟ خودم می گم: این خدا به همون اندازه که مهربونه، حکیم و مصلحت سنج هم هست. اتفاقاً چون ما رو دوست داره، برخی دعاها مون رو مستجاب

نمی‌کنه. منتها ما هم مثل پسرک، تا به بلوغ نرسیدیم و حقیقت نفع و ضرر رو نفهمیدیم، فکر می‌کنیم اینا بهونه است.»

چند دقیقه ای می‌شد که حاج آقا و بچه‌ها کنار خیابان ایستاده بودند. حاج آقا از طرفی نگران مدیریت برنامه‌های مسجد بود و از طرفی هم نمی‌خواست حرفش با بچه‌ها نیمه‌تمام بماند. پیشنهاد کرد کم‌کم به سوی مسجد حرکت کنند تا هم نظارتی بر نظم برنامه‌ها داشته باشد و هم گفت و گویشان را آنجا ادامه بدهند. بچه‌ها هم نگاهی به هم کردند و قبول کردند.

۲. چرا از ما اجابت نمی شه؟

آرش کمی آرام شده بود؛ اما دوست نداشت مثل بقیه بچه ها به حرف های روحانی عمیق فکر کند؛ برای همین شتاب زده گفت: «اینا که می گید درست؛ ولی آخه چرا همیشه دعای ما رد می شه و دعای بقیه قبول می شه. چرا همیشه مصلحت ما در اینه که دعامون رد بشه و مصلحت بقیه اینه که مستجاب بشه؟»

خوب که حرف هایش را زد، حاج آقا لبخندی زد و گفت: «مطمئنی هرچه خواستی اجابت نشده؟» آرش شوکه شد. «مطمئنی هرچه دیگران خواسته اند، اجابت شده؟ مگه تو از دعا های اونا خبر داری؟»

آرش می خواست بازهم مثل بعضی ها که عادت به فکر کردن ندارند، چیزی بگه؛ ولی نگاه بچه ها اون رو از جواب عجلانه منصرف کرد. حاج آقا برای اینکه گفت و گوی صمیمی آن ها حالت مناظره با آرش نداشته باشد، رو به بقیه گفت: «معمولاً پزشک بیمارستان همراه دارو برای بیماران بستری یک اتاق، غذا هم تجویز می کنه؛ مثلاً برای یکی غذای کم نمک،

برای دیگری کباب برگ، برای اون یکی سبزیجات پخته تجویز می کنه و برای آخری هم که قراره عمل بشه، می گه معده اش باید خالی باشه و به جای غذا، هوا بخوره! تا حالا شده یکی از بیماران به اینکه غذاش با بقیه فرق داره، اعتراض کنه؟»

لبخند روی لب بچه ها نشست. یکی شان گفت: «اگه اعتراض کنه، می گن از بیمارستان به تیمارستان منتقلش کنن.»

- چرا؟

- چون به خیرخواهی دکتر اعتماد دارن و می دونن دکتر با هیچ کسی پدرکشتگی یا پارتی بازی نداره.

- زنده باد! آیا ما به اندازه پزشک، به خدا اعتماد داریم؟

در حین صحبت بودند که به مسجد رسیدند. در حیاط شور و حالی بود و جوان ها هر یک مشغول کاری بودند. نگاهشان که به حاج آقا و بچه ها افتاد، با علاقه، نزدیک در شدند

ص: ۱۹

و به بچه‌ها خوش آمد گفتند. حاج آقا هم از وضعیت برنامه‌ها پرس و جویی کرد و برای اینکه حواس مردم پرت نشود، گوشه‌ی حیاط بحث را ادامه دادند. کم‌کم دوستان آرش هم احساس کردند می‌توانند با حاج آقا ارتباط برقرار کنند. یکی از آن‌ها پرسید: «یعنی شما می‌گید همه‌ی اونایی که دعا می‌کنن از فقر نجات پیدا کنن، به صلاحشون نیس؟»

- ما به همه‌ی ابعاد مستجاب نشدن دعا دسترسی نداریم. اگه بقیه‌ی چیزایی که باعث می‌شه دعا مستجاب نشه موجود نباشه، می‌تونیم بگیم به صلاحشون نبوده.

- یعنی هر فقیری پول دار بشه، به گناه می‌افته؟ خانواده‌های متدین چی؟

یکی دیگه از بچه‌ها حرفش را قطع کرد و گفت: «فقط گناه و عیاشی که نیس. گاهی اوقات مشکلات دیگه پیدا می‌شه.»

حاج آقا پرسید: «مثلاً چی؟»

- مثلاً ما یه فامیل داشتیم که کارمند بودند و خیلی با هم خوش بودن. بچه‌ها وضعیت

پدر رو درک می کردن و توقعی نداشتن. بعد از چند سال، ورق برگشت و جزو مایه دار های فامیل شدن. اول خونه و ماشین و وسایل خونه رو عوض کردن. تا اینجا هم مشکلی نبود. بعد از چند وقت، پسر هفده ساله و دختر نوزده ساله اش هوس ماشین کردند. حالا پدر خونواده نه صلاح می دونه که براشون ماشین بخره و نه بهونه ای برای نخریدن داره. خانمش هم هر روز سفارشای جدید می ده. خلاصه اینکه فضای صمیمی خونه اونا تبدیل شده به بنگاه تجاری و بستانکاری و طلبکاری و... پدر خونواده گاهی می گه کاش تو همون وضع بودیم و آرامش و خوشی قبل رو داشتیم.

- یه نکته مهم دیگه هم هست و اون اینکه دعا یعنی درخواست بنده از خدا. یادمون باشه درخواست غیر از دستور و طلبکاری است. خدا خداست و ما بنده ایم. نباید دریای گرم او و کثرت آرزو های ما این رابطه خدایی و بندگی رو از یادمون بیره و حالت طلبکاری پیدا بشه. هیچ وقت از خودمون پرسیدیم که ما چقدر به وظایف بندگی عمل کردیم که الان

این طور طلبکارانه حرف می زنیم؟

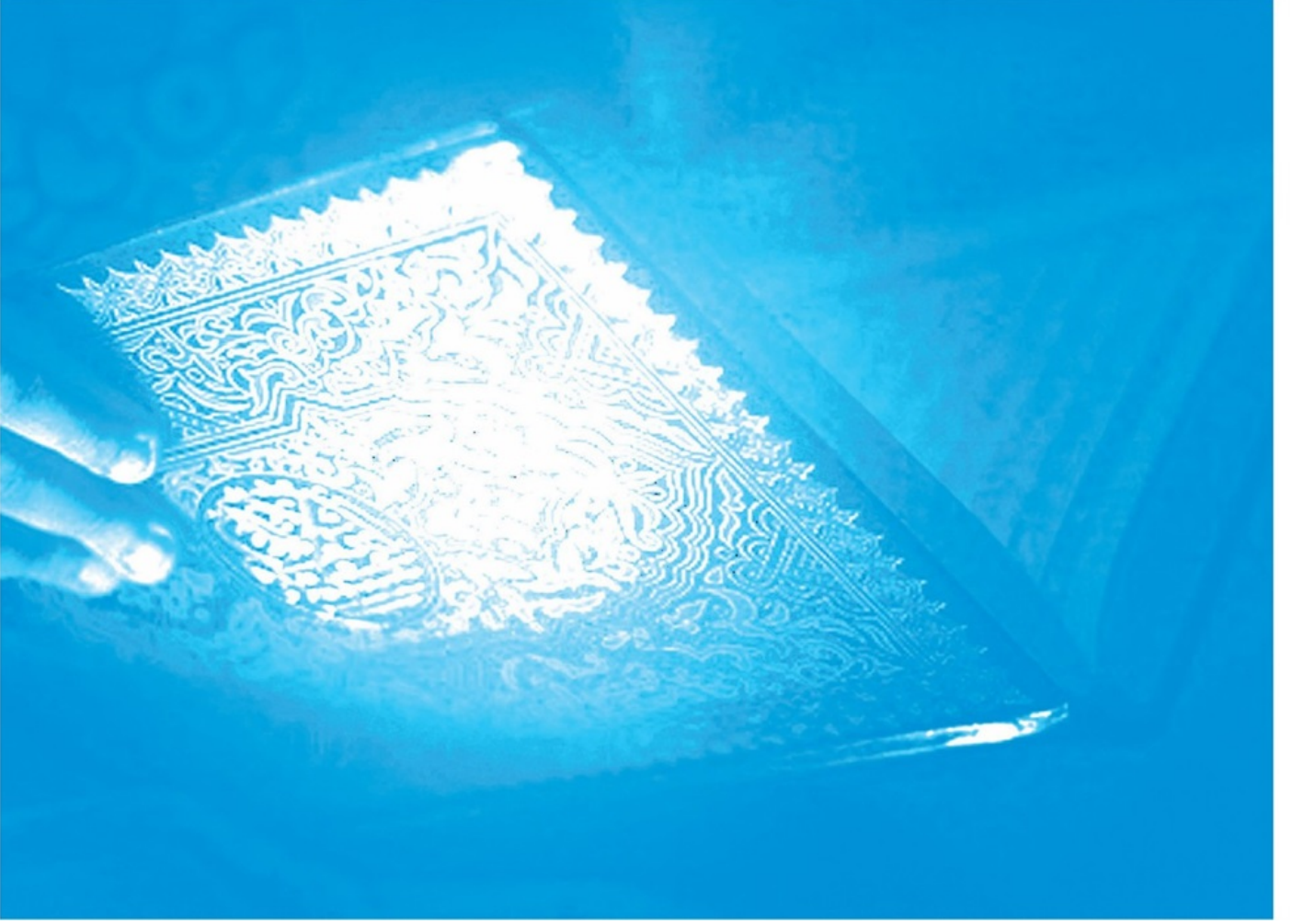
بحث تازه سر گرفته بود که حاج آقا با اشاره به صدای بلند گو گفت: «فراز های آخر جوشن کبیره. کم کم باید برای احیا آماده بشیم.» بعد هم برای اینکه با نگاهش کسی را مجبور به آمدن به مراسم نکند، خودش جلو راه افتاد و گفت: «هرکدوم دوست دارید بیایید. قدمتون روی چشم.»

...دمای سحر بود که آرش با چشمانی باد کرده از مسجد خارج می شد. تازه فهمیده بود چقدر خدا را دوست دارد و آرزو می کرد ای کاش زودتر با این روحانی آشنا می شد. موقع خروج از مسجد، حدیثی روی تابلو توجهش را جلب کرد که نوشته بود: حضرت علی فرمودند: «گرم خداوند متعال حکمت او را نقض نمی کند و به همین سبب است که برخی دعا های انسان مستجاب نمی شود.»^(۱)

ص: ۲۲

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۱، حدیث ۲۳.

۳. دعای ما یا قانون هستی؟



مینا بی حوصله به سمت دانشکده فنی حرکت کرد. عمداً قدم هایش را با کندی و سنگینی برمی داشت تا دیرتر به کلاس برسد و فقط غیبت نخورد. کلی خودش را سرزنش کرد که چرا چوب خط غیبتش را پر کرده و حالا- مجبور است به کلاس برود. پشت در کلاس، موهایش را زیر روسری کرد و وارد کلاس معارف شد. صندلی خالی پیدا کرد و نشست. استاد مثل همیشه بحث را با گفت و گو پیش می برد. مینا هم غرق در مشکلات خانوادگی و بگومگو های پدر و مادرش بود که موضوع بحث استاد با یکی از دانشجویان، توجهش را جلب کرد.

- استاد، شما عادت دارین با بحث های شعاری و اصطلاحات سنگین مسائل رو پیش ببرین. اگه واقعاً خدا ما رو دوست داره، چرا جواب میلیون ها انسان رو که با دل شکستگی صدایش می زنن، نمی ده؟ آیا باز هم می خواید بگید درخواست بندگان به مصلحتشون نبوده؟ این همه آدم فقیر که می خوان مشکلاتشون حل بشه، خدا رو صدا می زنن. این همه مردم محروم و مظلوم زیر بار ظلمن و خدا رو صدا می زنن...

یکی دیگر از بچه‌ها ادامه داد: «استاد، ما این همه برای فرج امام زمان دعا کردیم. نیومد. این همه مردم مظلوم دعا کردند. نیومد. اینکه دیگه بحث دنیا و به گناه افتادن و ظرفیت نداشتن و این چیزها نیست.»

دخترخانمی از گوشه کلاس، رشته بحث را از این دو نفر گرفت و گفت: «آره، استاد. ما خیلی وقتاً اصلاً برای دنیا دعا نمی‌کنیم که شما بگید به مصلحتتون هست یا نیست. من مدت هاست از خدا می‌خوام من رو به مقامات معنوی برسونه و مثل آقای بهجت و... بشم. ما هم دوست داریم کربلا و مکه مُشرف بشیم؛ ولی هیچ خبری نمی‌شه.»

مینا هم که برخلاف کلاس‌های دیگر، معمولاً در گفت‌وگوی کلاس معارف شرکت نمی‌کرد، مردد بود چیزی بگوید یا نه؛ ولی فضا را خودمانی دید و پنهانی داستان زندگی خودش را موضوع بحث کلاس قرار داد: «استاد، ما خونواده‌ای رو می‌شناسیم که توی اون، پدر و مادر سال هاست با هم اختلاف دارن و با هم درگیرن. خونه شون تبدیل شده به

توپ خونه. پدر از این طرف شلیک می کنه و مادر از اون طرف جواب می ده. بچه ها هم که گوش نصیحت پذیری در اونا نمی بینن، چاره ای جز دعا ندارن؛ ولی مثل اینکه خدا فقط مصلحت می دونه دعای مذهبی ها رو اجابت کنه؛ اما چون صدای ماهواره مون بلنده، صدای ما غیرمذهبی ها را نمی شنوه! واقعاً بچه ها چه گناهی کردن که باید تو این خونه بدتر از جهنم بسوزن. آیا واقعاً خدا به این راضیه؟ آیا اینجا هم آرامش داشتن خانواده به مصلحت اونا نیست؟»

خوب که مینا و بچه های دیگر حرف هایشان را به کرسی نشانند و به نظر خودشان، دادگاه محاکمه خدا را گرم کردند، استاد گفت: «اجازه بدید سؤالی بپرسم: دانش آموزی رو در نظر بگیرید که در سال آخر دبیرستان و در وضعیتی که تمام هم دوره ای هاش مشغول تست و آزمون هستن، سرگرم پارتی و بازی و تفریحه. بعد در شب امتحان، با عجز و لابه، خداوند رو به شیرخواره امام حسین قسم می ده که فردا نفر اول کنکور بشه. به نظر شما

- نه.

- مگه خداوند مهربان نیست؟ از خدایی خدا چیزی کم می شه که او هم دعاش مستجاب بشه.

کلاس مانند دریای بعد از طوفان، آرام به سخنان استاد گوش می داد و کسی چیزی نمی گفت. استاد خودش سکوت را شکست و این بار با لحن رسمی چنین ادامه داد: «حکمت و مصلحت از عوامل مستجاب نشدن دعاست. غیر از حکمت، چیزهای دیگری هم هست: خداوند در جهان هستی قوانینی را قرار داده که جهان را طبق همان ها اداره می کند؛ مثلاً قانون طبیعت این است که اگر قرار است گلی بروید، باید دانه ای در خاک بکارید و به آن آب بدهید. حال اگر کشاورزی دانه را به جای خاک، درون گران ترین طلاها بکارد و به جای آب، بنزین سوپر پای آن بریزد، هر چقدر هم با دل شکسته دعا کند، گلی از آنجا نمی روید. این به سبب نامهربانی خدا یا ناتوانی او نیست. وقتی خواسته انسان از قوانین حاکم بر هستی

خارج باشد، اراده خدا نیز به آن تعلق نمی گیرد؛ زیرا خود خدا این قوانین را بر نظام عالم برقرار ساخته است. اگر کسی می خواهد گلی داشته باشد، باید دانه را در خاک حاصلخیز بکارد و آب و نور مناسب به آن برساند و... بعد دعا کند که خداوند دانه را به ثمر برساند. کسی که می خواهد نفر اول کنکور شود، باید ابتدا برنامه ریزی کند و ماه ها به طور منظم درس بخواند و تست بزند و بعد، از خدا بخواهد که فعالیت های او نتیجه بدهد؛ نه اینکه درس نخوانده باشد و فقط دعا کند. بسیاری از چیز هایی که ما عاجزانه از خدا می خواهیم، مانند دعا کردن همین کشاورز و دانش آموز است؛ ولی خودمان به نامعقول بودن آن توجه نداریم و دائماً خدا را سرزنش می کنیم.

کسی که می خواهد به مقامات معنوی برسد، باید ابتدا روش صحیح سلوک را از اهل معنا بیاموزد؛ بعد مراحل مختلف آن را قدم به قدم با تلاش و مجاهدت طی کند و از خدا بخواهد که تلاش هایش نتیجه دهد. انسانی که پس از مطالعه حالات اولیای خدا، هوس

آدم شدن کرده و بدون زحمت از خدا می خواهد به مقامات معنوی برسد و با ائمه مأنوس و محشور باشد، مانند کسی است که حسرت نفر اول کنکور شدن را دارد و فقط دعا می کند. حل اختلافات خانوادگی نیز مانند هر هدف دیگری، نیازمند فراهم ساختن زمینه و مقدماتی است. ابتدا دو طرف باید با استفاده از تجربیات متخصصان متعهد، مشکل اصلی خود را شناسایی کنند؛ سپس یاد بگیرند برای رفع آن چه کار هایی بکنند. بعد تک تک توصیه های ایشان را موبه مو اجرا کنند و در کنار همه این ها، از خدا بخواهند فعالیت های ایشان مؤثر واقع شود. دعا کردن چیزی خارج از قوانین و سنت های الهی نیست؛ بلکه خود، قانون و سنتی الهی در کنار دیگر قوانین است. متأسفانه، ما عادت کرده ایم تاوان تنبلی ها و بی مسئولیتی های خود را به گردن نامهربانی خدا بیندازیم.»

این سخنان برای مینا تازگی داشت و شاید اگر مانند بقیه، بیشتر روی آن ها فکر می کرد، قانع می شد؛ ولی او دختری پرشور و سرسخت بود و دوست نداشت در اولین برخورد با استاد

معارف، به این زودی از میدان خارج شود. لذا رو به استاد گفت: «بخشید. اگر ممکنه این بحث های فلسفی و پیچیده رو کنار بذارین. موضوع این قدر ها هم سخت نیست. خود خدا در قرآن گفته من دعای همه را مستجاب می کنم. این جمله ساده این همه صغرا و کبرا ندارد.»

استاد از مقاومت ناشیانه مینا خوشش آمد؛ لذا به آرامی پرسید: «همان خدا نیز گفته من به همه روزی می دهم؛ اما آیا روزی دادن او با اسباب و وسایل است یا اینکه برای هرکسی، سر ساعت مقرر، ظرفی غذا از آسمان می فرستد؟» مینا ساکت بود و استاد ادامه داد: «همان خدایی که قرآن رو فرستاده، برای اینکه ما با برداشت های سطحی وقت خودمان را تلف نکنیم، کسانی رو در فهم قرآن معرفی کرده که سخن گویان و مفسران قرآن اند. خوبه برای فهم معنای همین آیه ای که گفتم، به این سخن امام صادق نیز توجه کنیم: "دعای چهار گروه مستجاب نمی شود: مردی که در خانه اش نشسته و از خدا طلب روزی می کند، در جواب به او گفته می شود آیا تو را مأمور به کسب روزی نکردیم؟ مردی که علیه همسرش

دعا می کند، به او گفته می شود آیا اختیار و زمام خانواده را به تو نسپردیم؟ مردی که دارایی خود را به باد داده و اکنون طلب روزی می کند، به او گفته می شود آیا تو را به میانه روی و اعتدال دستور ندادیم؟ و مردی که بدون شاهد و مدرک، پولی به کسی قرض داده و اکنون برای وصول طلب خود دعا می کند، به او گفته می شود که آیا تو را به گرفتن شاهد و مدرک امر نکردیم؟^(۱) همون طور که می بینی، تمام کسانی که طبق این حدیث دعاشون مستجاب نمی شه، کسانی هستند که می خوان همه کارها خارج از قوانین الهی و اسباب عادی جریان پیدا کنه؛ لذا دعا را وسیله جبران بی مسئولیتی خود تلقی کرده اند.»

ص: ۳۲

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۱.

۴. گناه ما و اسباب اجابت



بحث که به اینجا رسید، سروصدا و تلاطم بچه ها فروکش کرد. مثل اینکه خیلی ها جوابشان را گرفته بودند و خیلی ها هم به فکر فرورفته بودند. یکی دیگر از دانشجویان پرسید: «آیا گناه کردن نیز مانع استجابت دعا می شه؟»

- بله، در روایات آمده که گاهی بنده ای دعایی می کنه که در آستانه استجابت قرار داره و سپس گناهی مرتکب می شه. اون وقت خداوند به فرشتگان می فرماید: «حاجت او را برآورده نسازید؛ زیرا نافرمانی مرا کرده است.»^(۱) همچنین خداوند به عیسی فرمود: «دعای کسی را که ظلم به دیگری کرده است، اجابت نمی کنم.»^(۲) این دو روایت هم بیانگر یکی دیگه از قوانین الهی است: خداوند مقرر کرده که دعای گناهکار و ظالم مستجاب نشه، همان طور که مقرر کرده دونه ای که به جای خاک در طلا کاشته بشه، ثمر نده.

ص: ۳۵

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۹، حدیث ۱۲.

۲- خصال، ص ۳۳۷، حدیث ۴۰.

مینا از شنیدن این همه قانون و سنت گیج شده بود و از طرفی، حوصلهٔ تحلیل مباحث را هم نداشت؛ لذا هر چیزی که به ذهنش می‌رسید، بدون آنکه قدری زحمت فکر کردن به خودش بدهد، می‌پرسید. این بار هم بلافاصله از استاد پرسید: «آخه گناه کردن دیگه چه ربطی به دعا و بدبختی‌های ما داره؟ خدا اگه می‌خواد، باید دعای ما رو مستجاب کنه دیگه.»

- قبول داری که گناه نیز یکی از واقعیت‌های عالمه؟

- متوجه منظور شما نمی‌شم؟

- یعنی اینکه راه رفتن یه واقعیته، آتش گرفتن کاغذ یه واقعیته، غذا خوردن یه واقعیته، سم خوردن یه واقعیته و گناه هم مثل این‌ها، واقعیتی است در عالم.

- بله، درسته.

- قبول داری که هر یک از واقعیات آثار و نتایجی دارن؟ مثلاً نتیجهٔ غذا خوردن، سیرشده و نتیجهٔ سم خوردن، مسموم شدن.

ص: ۳۶

- اوم... خب بله.

- گناه هم برای خودش آثار و نتایجی در عالم هستی داره. ما انسان ها چون بیشتر با چیزای محسوس سروکار داریم، عادت کرده ایم که فقط به خواص و نتایج محسوس توجه کنیم، مثل سیر شدن و مسموم شدن. خبر نداریم که کارهای بسیاری نتایج غیرمحسوسی در عالم دارن که خودش می تونه قانون محسوب بشه. برای مثال، نتیجه گناه کردن کم شدن روزی و داشتن اضطراب و همچنین مستجاب نشدن دعاست. این هم یکی از قوانین خداوند در عالمه.

- پس اینکه قرآن گفته «هرکسی دعا کند، دعایش مستجاب می شود» تعطیل شد؟ [با خجالت از صراحت لهجه خودش، سریع جمله اش را به شکل دیگر ترمیم می کند] بالاخره این آیه درست است یا این روایت یا حکمت و چه می دونم، مصلحت و این چیزا؟

- هیچ یک تعطیل نشد و همه اونا درستن؛ ولی باید منظور آیه و روایات رو دقیق بفهمیم.

ص: ۳۷

بذار مثالی بزنم: معنای جمله پزشکی که می گه «این نسخه قطعاً شفابخش است» چیه؟ آیا معناش اینه که اگه هرطور که خواستی این دارو رو مصرف کنی، شفا می یابی؟ حتی اگر سر ساعت نباشه یا در کنار اون، هزار ناپرهیزی بکنی؟

- نه، معناش این نیست.

- پس چیه؟

- معلومه دیگه.

- معناش اینه که هرکی این نسخه رو طبق شرایط مصرف کنه، شفا می یابه؛ یعنی سر ساعت و طبق دستورهای پزشک و همراه با پرهیزهایی که پزشک معرفی کرده. پس بهترین نسخه هم اگر با شرایط مصرف نشه یا همراه با ناپرهیزی باشه، باز نتیجه نمی ده. درسته؟ پس هم باید شرایط مصرف دارو رعایت بشه و هم موانع تأثیر اون رو از بین ببریم. بر این اساس، در دعا هم یک سری شرایط برای اجابت دعا معرفی شده، مثل معرفت به خدا، کسب

ص: ۳۸

روزی حلال، داشتن حضور قلب، احساس نیاز واقعی و... . یک سری موانع نیز وجود دارد، مانند گناه و ظلم. پس دعا زمانی ممکنه مستجاب بشه که هم شرایطش مهیا باشه و هم مانعی برای تأثیرگذاری دعا وجود نداشته باشه.

- بله.

- حالا بیایم سراغ آیه. معنای آیه این نیست که صرف اینکه کسی دعا کنه، هرچی بخواهد، محقق می شه؛ چون ممکنه خواسته او با قوانین هستی در تعارض باشه. همچنین معنای این نیست که حتی اگه دعاش مخالف حکمت و مصلحت باشه، اجابت می شه. نیز، معنای این نیست که اگر خواسته اش با گناه و ظلم توأم باشه، اجابت می شه؛ بلکه معنای اینه که هر بنده ای که دعا می کنه، دست خالی باز نمی گرده. به بیان دیگه، با تحقق این شرایط خواسته بنده محقق می شه: ۱. خواسته بنده به صلاحش و نیز همسو با قوانین الهی

ص: ۳۹

باشد؛ ۲. شرایط دعا مانند داشتن معرفت (۱) و کسب روزی حلال (۲) و... رو رعایت کنه؛ ۳. گناه و ظلم و سایر موانع اجابت دعا را مرتکب نشه. علاوه براین، اگر خواسته انسان به صلاحش نباشه یا موانع دیگه ای در کار باشه، خواسته اش محقق نمی شه.

اما بدونید که این فرد دستِ خالی و بدون مزد نمی مونه و خداوند پاداش دیگه ای برایش در نظر می گیره؛ مثلاً. گناهایش رو می آمرزه یا برکات دیگه ای به زندگی او می ده یا بلاهای دیگه ای از او دفع می شه. اتفاقاً در روز قیامت، وقتی انسان ها می بینن به جای دعاهایی که ازشون مستجاب نشده، چقدر بار گناهانشون سبک شده، چنین آرزو می کنن که ای کاش هیچ دعایی از ایشون مستجاب نمی شد و به جای اون، بدون گناه وارد محشر می شدن.

به هر حال، معنای آیه اینه که دعا مساوی است با اجابت؛ ولی اجابت لزوماً به معنای تحقق

ص: ۴۰

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳، حدیث ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، حدیث ۱۶.

خواستۀ ما نیست؛ چون ممکنه به صلاحمون نباشه یا اینکه موانعی رو خودمون ساخته باشیم، مثل همین گناه کردن که درحکم ناپرهیزی برای بیمار. اگر بیمار دارو رو سر ساعت و طبق دستور مصرف کنه، ولی در کنار اون، ناپرهیزی کنه، اثر دارو از بین می ره. به همین شکل، کسی که گناه می کنه، اثر عبادت و دعا رو از بین می بره... بچه ها، باید عادت کنیم برای فهم روایات و آیات، همه اونارو کنار هم و با یک نگاه منسجم و نظام وار بررسی کنیم. در این صورت، فهم عمیق تر و زیباتری از معارف دین پیدا می کنیم.

وقت رو به پایان بود و استاد احساس کرد بچه ها خسته شده اند؛ لذا آخرین نکته درباره مستجاب نشدن دعا را با این شعر بیان کرد:

ای بسا مخلص که نالد در دعا *** تا رود دود خلوصش بر سما

پس ملائک با خدا نالند زار *** که ای مجیب هر دعای مُستجار

بنده مؤمن تضرع می کند *** او نمی داند به جز تو مستند

تو عطا بیگانگان را می دهی *** از تو دارد آرزو هر مُشتهی

حق بفرماید: نه از خواری اوست *** عین تأخیر عطا یاری اوست

خوش همی آید مرا آواز او *** و آن خدایا گفتن و آن راز او

استاد این شعر را خواند و کلاس را تمام کرد. بچه ها کم کم از کلاس خارج می شدند. عده ای هم دور استاد را گرفته بودند و پرسش هایشان را ادامه می دادند. مینا که تاکنون فکر می کرد فقط در علوم ریاضی، همه چیز دقیق و حساب شده است و مفهوم گناه و دعا و... را با نگاهی عرفی و عامیانه فهمیده بود، از این همه دقت و قاعده مندی احساس تعجب و رضایت می کرد. برای نخستین بار بود که درباره این ها فکر می کرد....

ص: ۴۲

۵. آداب داني دعا



ساعت چهار بعدازظهر سیزده رجب، محمد هنوز در ترافیک خیابان نواب گرفتار مانده بود. مضطرب و نگران بود از اینکه نتواند به موقع به ایستگاه راه آهن برسد. قطار مشهد ساعت پنج بعدازظهر حرکت می کرد و باید زودتر خودش را به ایستگاه می رساند. از طرفی هم خدا خدا می کرد که هم کوپه ای هایش با او هم فکر باشند. در همه سفرهایی که با قطار رفته بود، برایش مهم بود که با چه کسانی چندین ساعت هم نشین و هم سفر می شود. بالاخره او طلبه بود و نوع پوشش و رفتار باوقارش کاملاً برای بیننده مشخص بود؛ هرچند هنوز به سن و سطح سواد مُعَمَّم شدن نرسیده بود.

به هر ترتیب، یک ربع قبل از حرکت به ایستگاه رسید. در سالن قطار، بلیط به دست دنبال کوپه اش می گشت تا بالاخره پیدا کرد. داخل کوپه، سه جوان دیگر نشسته بودند و مشغول جابه جا کردن ساک هایشان بودند. سلام کرد و وارد شد. بعد از صحبت ها و تعارف های معمول، فهمید که هم سفرانش دانشجوی رشته صنایع دانشگاه علم و صنعت اند. هر سه

اهل تهران بودند و نام هایشان محسن و صدرا و علیرضا. آنان نیز مانند خودش قصد داشتند ليله الرغائب (شب آرزوها) را مهمان امام رضا باشند. قطار خیابان ها و محل های تهران و شهر ری را پشت سر می گذاشت و محمد خیره خیره به سرخی خورشید در امتداد افق نگاه می کرد. دل توی دلش نبود: یک سال بود و یک لیلها لرغائب. بعد از مدتی تماشا، کتاب اصول کافی را از کیفش درآورد و مشغول مطالعه شد. بچه ها که متوجه شدند محمد طلبه است، دوست داشتند سر صحبت را باز کنند.

محسن شروع کرد: «ما که این همه راه تا مشهد می رویم، آیا واقعاً دعای ما مستجاب می شود؟»

محمد با لبخند واکنش نشان داد: «اتفاقاً الآن داشتم روایتی در همین موضوع می خواندم که نسبت دعا

و استجاب، مانند نسبت ابر و باران است(۱) و خداوند حیا می کند از اینکه دعای بنده اش را مستجاب نکند.»(۲)

صدرا با خوش حالی گفت: «پس خیلی باید امیدوار باشیم.»

- نه تنها باید امیدوار باشیم، بلکه باید یقین داشته باشیم که دعایمان مستجاب می شود؛ گویی اجابت هم اکنون پشت در خانه ما منتظر است تا ما دعا کنیم.(۳) خود دعا کردن و طلب کردن اهمیت دارد و باعث رشد انسان می شود، تا آنجا که گفته اند: «دعا مغز عبادت است.»(۴) برای همین باید یادمان باشد که دعا کردن فقط برای ایام سختی و مشکلات نیست؛ بلکه انسان هرچه بیشتر رشد می کند، بیشتر نیاز به خدا را حس می کند و دست نیازش بلندتر است. اتفاقاً صدای کسی که دائماً مشغول دعاست، برای فرشتگان آشناست و وقتی در

ص: ۴۷

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲- همان، ص ۴۷۲.

۳- همان، ص ۴۷۳.

۴- بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

سختی‌ها درخواستی از خدا دارد، فرشتگان می‌گویند: «این صدا برای ما آشناست»؛ در نتیجه، زمینه‌اجابتش فراهم می‌شود. (۱) دعا در حقیقت، طلب درونی است؛ نه صرف بیان الفاظ. دعا یعنی انسان، با همه وجود، احساس نیاز و اضطراب کند.

علیرضا که تا حالا ساکت بود، گفت: «من شنیدم انسان باید از درخواست کردن خود خسته نشود و حاجتش را تکرار کند؛ ولی آیا این خلاف ادب نیست؟ اصلاً خدا که می‌داند ما چه مشکلاتی داریم؛ آیا واقعاً لازم است که ما درخواستمان را بر زبان بیاوریم؟»

- بگذارید بینیم در این باره حدیثی وجود دارد؟... بله... بله اینجاست. امام صادق فرموده اند: «خداوند اکراه دارد از اینکه مردم با پافشاری، از یکدیگر درخواست کنند؛ ولی دوست دارد بندگان برای درخواست از او اصرار و استمرار به خرج دهند.» (۲) البته می‌دانیم که

ص: ۴۸

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲- همان، ص ۴۷۵.

اصرار و خسته نشدن از درخواست، به معنای عجله داشتن برای اجابت دعا نیست. همچنین با اینکه او نیاز های تک تک بندگان را می داند، دوست دارد ایشان درخواست خود را بر زبان بیاورند؛^(۱) زیرا خود این درخواست کردن رابطه جدید تربیتی برای بنده فراهم می کند.

محسن پرسید: «محمد آقا، درباره دعای فردی و جمعی هم دستور خاصی داریم؟»

محمد با حرکت سر به نشانه تأیید گفت: «در روایات آمده است که اگر چند نفر با هم یک دعا کنند، قطعاً در آستانه اجابت قرار می گیرد؛ لذا امام صادق هنگام دعا کردن، زن ها و بچه ها را جمع کرده و بعد دعا می کردند.^(۲) البته بهتر است که انسان درخواست خود را برای دیگران نیز بخواهد؛ زیرا هیچ دعایی سریع تر از دعای مؤمن برای مؤمن دیگر اجابت نمی شود. ضمن آنکه وقتی مؤمنی برای مؤمن دیگر دعایی می کند، فرشتگان دو برابر همان

ص: ۴۹

۱- همان، ص ۴۷۶.

۲- همان، ص ۴۸۷.

را برای او دعا می کنند(۱) و مطمئناً دعای فرشتگان بیشتر در معرض اجابت است.»

علیرضا ضمن اینکه برای محمد و بقیه چای می ریخت، پرسید: «درست است که موقعیت زمانی و مکانی هم در اجابت دعا تأثیر دارد؟»

صدرا سخن او را تأیید کرد و گفت: «برای همین است که ما می خواهیم حاجات خود را در چنین روزی و چنین مکانی مطرح کنیم.»

توضیح محمد چنین بود: «همین طور است؛ اما زمان های دیگری نیز برای دعا سفارش شده است: هنگام نزول باران، بعد از نماز صبح و عصر و مغرب، هنگام اذان و قرائت قرآن و از همه مهم تر، هنگام سحر. حضرت یعقوب وقتی خواست برای فرزندان خود استغفار کند، سحر را برای این کار برگزید.(۲) همچنین برای دعای برخی افراد امید اجابت بیشتری است؛

ص: ۵۰

۱- همان، ص ۵۰۷.

۲- همان، ص ۴۷۷ و ۴۷۸.

مانند مریض ها، حاکمان عادل، حاجیان، مجاهدان در راه خدا، انسان های مظلوم، روزه داران و دعای پدر و مادر برای فرزند و دعای فرزند برای پدر و مادر»^(۱)

در ادامه، محمد به برخی آداب دعا نیز اشاره کرد: «سفارش شده است که دعا را با حمد، استغفار، تکبیر، تهلیل و از همه مهم تر، ذکر صلوات زینت بخشیم. حتی گفته اند دعای مؤمن بالای سرش سرگردان است و صلوات سبب می شود این دعا به عوالم ملکوت صعود کند»^(۲)

بچه ها تازه گرم صحبت شده بودند که صدای مهمان دار در سالن پیچید: «نماز، نماز...» قطار برای نماز در ایستگاه ایستاده بود. محمد کتاب را بست و همراه دوستان جدیدش به سوی نمازخانه حرکت کرد.

ص: ۵۱

۱- همان، ص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۲- همان، ص ۴۹۱.



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

